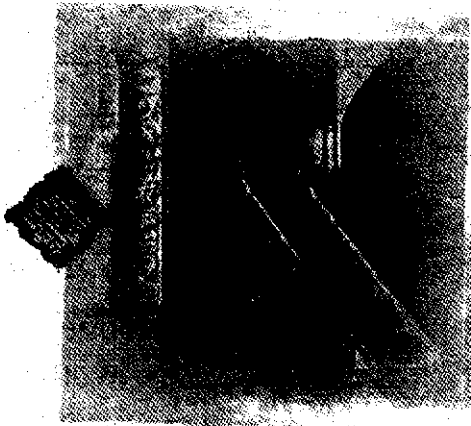


# آفتاب تبلیغ

شرح حال خطیب مبارز  
آیت الله میر محمد علی  
صدرایی اشکوری (ره)



محمد تقی ادهم نژاد

دختر مرحوم آیه الله سید حسین صدرایی  
لاهیجانی و والد گران قدر وی، فقیه ربانی،  
آیه الله سید موسی موسوی، مشهور به «آیه  
الله اشکوری» یکی از عالمان نامدار  
شهرستان لنگرود است.

## تحصیلات

آیه الله صدرایی واعظ تا ۱۵

۱. شرح حال مرحوم صدرایی اشکوری در  
منابع ذیل آمده است: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص  
۳۸۰؛ آثار الحجة یا اولین دائرة المعارف حوزه  
علمیه قم، محمد شریف رازی، ج ۲،  
ص ۱۵۴-۱۵۸؛ ستارگان حرم، گروهی از  
نویسندگان فرهنگ کوثر، دفتر ۱۳، ص ۱۴۹؛  
دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم، ص ۳۶۶؛  
سیمای لنگرود، ص ۱۸۲؛ روزنامه دانش (گیلان)،  
مهر ۵۹، ش ۲.

## طلوع ستاره از افق نجف

آیه الله میر محمد علی موسوی،  
مشهور به «صدرایی اشکوری»، یکی  
از گویندگان مشهور و طراز اول  
سیاسی و مذهبی ایران و مدیر و  
صاحب امتیاز هفته نامه «طلوع اسلام»،  
در سحرگاه جمعه هفده شوال المکرم  
۱۳۳۰ قمری در شهر مذهبی نجف  
اشرف و در مهد علم و تقوا و فضیلت  
دیده به جهان گشود.

نسب شریف این روحانی  
جلیل القدر با چهل و پنج واسطه به امام  
موسی کاظم علیه السلام می رسد. مادر گرامی ایشان  
بانوی پرهیزکار، عابد، صالح و حافظ قرآن،

سالگی در نجف اشرف ماند و قسمتی از تحصیلات را در آن حوزه مبارک به اتمام رسانید. وی در سال ۱۳۴۵ قمری به همراه والد بزرگوارش به ایران مهاجرت کرد و در شهرستان لنگرود رحل اقامت افکند. صدرایی به مدت شش ماه از اساتید این شهر بهره علمی برد و آن گاه با کسب اجازه از محضر پدر گرامیش به قصد فراگیری علم و دانش و کمال راهی حوزه علمیه قم که در آن زمان تحت زعامت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی اداره می شد، گردید.

وی با هوش سرشار و حافظه قوی و پشت کار فوق العاده اش توانست مراحل و مراتب تحصیل را با سرعت پشت سر گذارد و به درس خارج آیه الله حائری راه یابد. از اینرو، مورد توجه اساتید و فضلاء قرار گرفت.

### شوق دانش اندوزی

صدرایی واعظ نام اساتید و دروس و کتب متداول آن عصر را با قلم خویش بدین گونه نوشته است: «نجو را نزد ادیب نامدار آقا شیخ

ابوالقاسم قمی، معانی و بیان و بدیع را نزد آقا شیخ عباس طهرانی، شرح لعمه را نزد آیه الله مرعشی نجفی، قوانین را نزد آقا شیخ عباسعلی شاهرودی، رسائل و مکاسب را نزد آیات گلپایگانی و سید محمد تقی خوانساری، کفایتین را نزد آیات سید احمد خوانساری و میرزا محمد همدانی، منطق و منظومه حکمت سبزواری را نزد حکیم فرزانه، آیه الله حاج آقا روح الله خمینی، اسفار و اشارات را نزد حکیم شیخ ابراهیم اصفهانی، تفسیر و فن خطابه را نزد آیه الله میرزا محمد تقی اشراقی، واعظ معروف قم فراگرفتم و آن گاه در درس خارج فقه و اصول از دانش بیکران استوانه های کم نظیر علمی حوزه قم، آیات عظام:

۱. شیخ عبدالکریم حائری یزدی؛

۲. سید محمد تقی خوانساری؛

۳. سید محمد حجت

کوهکمره ای؛

۴. سید صدرالدین صدر - قدس

الله اسرارهم - بهره مند شدم و از خرمن دانش بیکران هر کدام از آن زعمای

بزرگ دینی خوشه هایی چیدم و موفق شدم از آنان اجازات اجتهاد و روایت دریافت نمایم.»

### بر بام دانش

اساتید بزرگوارش هر یک ستاره‌ای درخشان در آسمان علم و تقوا به شمار می‌روند و طبیعی است که شاگردی تیز هوش و سخت کوش چونان صدرایی در محضر چنین بزرگانی، قله رفیع دانش را به سهولت فتح نماید.

آیه الله سید محمد تقی خوانساری در اجازه اجتهادی ضمن تأیید مقامات عالیه علمی و تقوایی مرحوم صدرایی با الفاظ و القاب و مفاهیم عمیق و ظریف در بخشی از آن چنین مرقوم می‌نمایند:

« شملی محمد الله به مرتبه اجتهاد نائل گشته و جزو فقها و مجتهدین به شمار آمده‌اید و بر شما تقلید حرام و تصدی به اموری که جز فقهاء و مجتهدین در آن تصدی نداشته‌اند، جایز است.»

دو نفر از آیات عظام سید محمد حجت و سید ابوالقاسم کاشانی نیز

حواشی بر این اجازه در تأیید آن دارند. مرحوم صدرایی اجازه کم نظیری هم از آیه الله العظمی اصفهانی دریافت نموده که در حواشی آن مهر و امضاء شریف سه تن از اساتید نامدار نجف اشرف، آیات عظام: سید محمود شاهرودی، سید جمال گلپایگانی و میرزا آقا اصطهباناتی وجود دارد که همگی آنها گواه بر قدرت علمی، فقهی، اصولی و کلامی ایشان می‌باشد.<sup>۱</sup>

ایشان با داشتن دو بال تعهد و تخصص کار هدایت مردم و ارشاد و موعظه آنان را به عهده داشت و روحهای مستعد را به آسمانها عروج و پرواز می‌داد و بدین ترتیب، توانست شهرت خوبی در میان مردم و علماء به دست بیاورد.

### رجعت آفتاب

صدرایی واعظ با اینکه در شهر مقدس قم در اماکنی همانند: مدرسه فیضیه، مسجد امام و ... کار ارشاد و

۱. متن این اجازات با دستخط آیات عظام نامبرده، در مقدمه «دیوان گلزار احمدی»، مرحوم صدرایی به چاپ رسیده است.

می‌نویسد:

«صدرایی گوینده‌ای بی‌باک و شجاع و روحانی دلاور بود. او زمانی به گیلان آمد که در آن روزها حزب توده و کمونیستها در شمال ایران که به علت همجواری با شوروی و نیز به علت ضعف دولت مرکزی فعالیت شدید و گسترده‌ای داشتند؛ خصوصاً رشت مجمع و مرکز سران و نخبگان آنان شده بود و بی‌محابا تاخت و تاز می‌کردند؛ ولی صدرایی یک تنه به جنگ آنان رفت و موفق شد بر آنان پیروز شود. او در فن مجادله‌همتایی نداشت. او با قلم و بیان و انتشار «طلوع اسلام» و نوشتن مقالات مستدل توطئه‌های آنان را خشتی ساخت؛ خصوصاً اقدامات وی در سال ۱۳۲۴ شمسی فراموش ناشدنی است. و باز در روزگاری که برخی به پیروی از احمد کسروی در رشت قرآن و مفاتیح می‌سوزاندند و جشن قرآن سوزی داشتند، صدرایی (این افسر فداکار اسلام) به میدان آمد و با کمال شجاعت در مقابل آنان ایستاد و آنان را از این کار منصرف و پشیمان ساخت؛ البته مردم

موعظه را آغاز نمود و به اصطلاح منبر می‌رفت و همواره تبلیغ اسلام و گسترش معارف دینی از دغدغه‌های اصلی ایشان بود، اما پس از کودتای ۲۰ شهریور سال ۱۳۲۰ شمسی که اوضاع مملکت دگرگون شده بود، تبلیغ و ارشاد را بر ادامه تحصیل و تدریس و تحقیق در حوزه ترجیح داد و قم را به قصد گیلان ترک کرد و در شهر رشت که محل تاخت و تاز گروه‌های الحادی، همانند توده‌ایها برای جلب و جذب جوانان مسلمان این آب و خاک شده بود، رحل اقامت افکند و از آنجایی که اطلاعات جامعی در معارف مختلفه اسلامی و بیان رسا و شیرین و منطوق مستدل و جالبی داشت، در اندک زمانی کوتاه در محافل و مجالس تبلیغاتی درخشید و مورد توجه عموم طبقات خصوصاً تحصیل کرده‌ها قرار گرفت و با دو حربه‌کاری و مؤثر بیان و قلم موجب هدایت جوانان فریب خورده و شکست مکاتب الحادی و پوشالی مادی گردید.

**صدرایی در میدان مبارزه**

آیه الله احسان بخش در این باره

هم برای حمایت از او به میدان آمدند و دور او را گرفتند و در آن عرصه پیروز شدند.<sup>۱</sup>

### فعالیت‌های فرهنگی و دینی

#### ۱. خطابه و سخنوری

صدرایی واعظ قطعاً یکی از گویندگان مشهور و بنام زمان خویش به شمار می‌آمد. او گرچه در رشت سکونت داشت، اما سخنرانی‌های وی محدود به آن سامان نبود؛ بلکه در اغلب شهرها و استانهای ایران برای تبلیغ و ارشاد، دعوت به سخنرانی می‌شد و بدانجا مسافرت می‌نمود. و نیز سالیان متمادی سخنرانی‌های شیرین و مستدل ایشان از طریق رادیوی تهران پخش می‌شده است که هم اکنون مجموعه سخنرانی‌های ایشان در رادیوی تهران به صورت چندین کتاب بارها چاپ و منتشر شده است. سخنرانی‌های ایشان موجب هدایت دهها نفر از افراد مجوسی، ارمنی و بهایی به دین مبین اسلام شده است. حجة الاسلام و المسلمین شیخ محمد ابراهیم رضایی راد از علمای رشت و داماد معظم له در این باره می‌فرماید:

«سالی مرحوم صدرایی به بابل برای سخنرانی دعوت شدند. در یک سخنرانی دو نفر از افراد بهایی مستبصر شده، به آغوش اسلام باز گشتند. آن گاه همان دو نفر با دعوت از صدرایی در بابل باعث هدایت دهها نفر دیگر نیز گردیدند و این دعوت هر ساله تداوم داشت و این علاوه بر استدلال و منطق، به اخلاص در گفتار نیز نیازمند است که ایشان داشت. برخی از بهاییها در صدد توطئه و تهدید برآمدند، ولی هیچ گاه عملی نشد.»<sup>۲</sup>

#### ۲. نشریه طلوع اسلام

یکی از کارهای ارزشمند فرهنگی صدرایی، انتشار هفته نامه و بعدها روزنامه «طلوع اسلام» بود که با تلاش

۱. دانشوران گیل و دیلم، ص ۳۶۵.

۲. مصاحبه نگارنده با حجة الاسلام و المسلمین شیخ محمد ابراهیم رضایی راد (واعظ گیلانی) مدیر محترم نشریه «هفته نامه نقش قلم». معظم له علاوه بر مصاحبه، دو مقاله مفصل درباره مرحوم آية الله اشکوری و آية الله صدرایی واعظ تقدیم داشته‌اند که در این مقاله از آن مقالات نهایت استفاده را نمودم. از معظم له که متأسفانه کسالت شدیدی دارند، کمال تشکر را دارم و برایشان از خداوند متعال شفای عاجل مسئلت می‌نمایم.

و همت والای وی در رشت چاپ و منتشر می‌شد.

مرحوم صدرایی برای اولین بار در سال ۱۳۲۶ شمسی کانون تبلیغات اسلامی را در رشت تأسیس کرد. این کانون توانست موجبات جذب جوانان تحصیل کرده و گرایش آنان را به معارف و مبانی عمیق دینی فراهم سازد. صدرایی اولین هفته نامه خویش را تحت عنوان «پرچم دار» چاپ و منتشر ساخت که بعد از مدتی لغو امتیاز گردید.

این نشریه، پرچم دار مبارزات و مجاهدات میهنی در خطه شمال بود.

آن گاه به تأسیس هفته نامه «طلوع اسلام» اقدام نمود که بر اثر استقبال فرهنگ دوستان تبدیل به روزنامه «طلوع اسلام» گردید. امتیاز این نشریه که تا سال ۱۳۵۵ شمسی ادامه داشت، به علت چاپ مقالات تند لغو گردید.

مرحوم صدرایی در رساندن این هفته نامه و روزنامه به دست افراد مؤثر از علماء اعلام و گویندگان و خطبای محترم، فرهنگیان و اساتید متعهد و متدین دانشگاه و سایر اقشار مذهبی

سعی وافری داشت و در این زمینه تا حدودی موفق بود.

مرحوم صدرایی از جمله گویندگان و نویسندگانی بود که دیانت را از سیاست تفکیک ناپذیر می‌دانست و معتقد بود که روحانی می‌بایست در سیاست دخالت کند. به همین مناسبت، با رجال سیاسی مملکت، به ویژه با آیه الله کاشانی ارتباط مستقیم داشت و شخصاً چندین بار در انتخابات بندر انزلی، لاهیجان و لنگرود نامزد شد که هر بار با خیانت دستگاه دولت و دربار طاغوت مواجه می‌شد.

### خیانت دولت در آرای مردم

حضرت آیه الله امینیان، امام جمعه آستانه اشرفیه و نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاههای گیلان می‌فرماید:

«اینکه صدرایی در میان مردم محبوبیت ویژه‌ای داشت، شکی نیست و مردم علاقه مند بودند که ایشان به مجلس بروند و لذا وقتی شنیدند که ایشان خودش را کاندیدای مجلس کرده، همگان خوشحال شدند. ما طلبه‌ها هم برای حمایت از ایشان

آقای تاج لنگرودی واعظ از خطبای تهران می فرماید: «مرحوم صدرایی مردی خوش برخورد و نیکو معاشرت و سخی النفس و گشاده رو بودند. او مدتی مستأجر جدم، مرحوم آیه الله شیخ محمود تاج الواعظین گیلانی بود. آنچه که من می توانم درباره ایشان بگویم اینکه ایشان بسیار میهمان دار و میهمان دوست بودند. روزی نبود که ایشان در آن روز میهمان نداشته باشند. مرحوم صدرایی در اقصی نقاط ایران و حتی خارج از ایران دوستان فراوانی داشتند. بسیاری از عالمان بزرگ وقتی به گیلان می آمدند، بر صدرایی وارد می شدند. ایشان از این گونه صفات پسندیده که از صفات عالیہ انسانی و اسلامی است، زیاد داشت.»<sup>۱</sup>

آقای رضایی راد از واعظ رشت و داماد مرحوم صدرایی می نویسد:

شروع به فعالیت و تبلیغ کردیم و مردم هم رأی دادند؛ اما موقع نتیجه و شمارش آراء، تمام آراء به نفع کاندیدای دربار بیرون می آمد و اسم آن شخص خوانده می شد؛ در حالی که مردم اصلاً نه او را می شناختند و نه او را دیده بودند و نه حتی به او رأی داده بودند؛ به عنوان مثال در محله ما، یعنی «فتیده» و «شلمان» و روستاهای اطراف، فقط بیش از دو هزار نفر به او رأی داده بودند، ولی در موقع شمارش آراء در سطح شهرستان لنگرود اعلام کردند که صدرایی در مجموع چهارصد رأی بیشتر نیاورده است و این نشان دهنده خیانت عوامل دولت در امانت مردم و دزدی آشکار و علنی در صندوقهای انتخاباتی به نفع کاندیدای دربار به شمار می آید.<sup>۱</sup>

### ویژگیهای اخلاقی

صدرایی واعظ به اعتقاد دوستان و آشنایانش، مردی کریم، سخی، فروتن، متواضع، میهمان نواز، حلال مشکلات مردم، دارای اخلاق نیک، حسن رفاقت و معاشرت و در یک کلمه مردم داری به تمام معنا بود.

۱. مصاحبه نگارنده با آیه الله امینان عضو خبرگان رهبری و نماینده ولی فقیه در دانشگاههای گیلان.

۲. مصاحبه نگارنده با آیه الله تاج لنگرودی از خطباء و علماء تهران.

«مرحوم صدرایی دارای ویژگیهای اخلاقی خاصی بود که همانند او را کمتر می‌توان یافت؛ گره گشایی، خدمت به مردم، جود و سخاوت و بخشندگی و مهمان نوازی ایشان در میان خواص و عوام شهرت داشت. سفره‌اش همیشه برای مهمانان عزیز گسترده بود. به مستمندان و ارباب حاجت بی‌دریغ و بدون چشم داشت کمک می‌کرد. هیچ محروم و محتاجی را محروم نکرد. در سلام گفتن پیوسته سبقت می‌گرفت. برای افرادی که بر او وارد می‌شدند، تمام قد بلند می‌شد و تا دم درب بدرقه می‌کرد. در دین و مذهب سخت پای بند بود. در برابر مخالفان با صراحت و شجاعت از حریم دین دفاع می‌کرد. با وجودی که در آمدش از طریق کشاورزی و منبر درخور توجه بوده است، مع الوصف پس از فوت وی در سال ۱۳۵۶ شمسی مبلغ چهارصد هزار تومان مقروض بوده که توسط فرزنداناش پرداخت گردید.»<sup>۱</sup>

#### عظیه سید الشهداء علیه السلام

آقای فلسفی واعظ شهیر ایران - قدس سره - می‌گوید: «سالی مرحوم صدرایی

واعظ به علت عارضه قلبی در بیمارستان آبان تهران بستری بود، من به عیادت ایشان رفته، ضمن گفتگو با ایشان پرسیدم: حالتان چطور است؟ او جواب داد: عطیه آقا سید الشهداء ما را اداره می‌کند. گفتم: ما همه از آقا امام حسین علیه السلام برخورداریم. او در پاسخ گفت: اما ما یک حساب دیگری داریم. کنجکاو شدم و از ایشان خواستم تا این راز را فاش کند. صدرایی گفت: یک قطعه باغ چای دارم که هدیه سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله است و در دوران کهولت مرا اداره می‌کند. بنده پرسیدم: از کجا می‌گویید عطیه سید الشهداء است؟

او خاطر نشان ساخت: این باغ را برای معامله، قولنامه کرده بودم و دو روز پس از آن به دیدن عارف نامدار آیه الله شیخ محمد کوهستانی - قدس سره -<sup>۲</sup> (۱۳۰۸ - ۱۳۹۲ ق.) رفتم. وقتی که مرا دید، فرمود: چرا عطیه ملوکانه را می‌فروشی! عرض کردم: با شاه کاری ندارم. فرمود: منظورم این نیست، آقا سید شهیدان را می‌گویم. اینها (شاه) این الفاظ را دزدیده‌اند. یادت هست

۱. مقاله «صدرایی اشکوری»، رضایی راد.

۲. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۳۸۸، تألیف جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم.



عالم رویا مردی نورانی بر من وارد شد. پس از سلام و جواب فرمودند: شما چرا در حق حضرت امام حسن عسکری علیه السلام جفا می‌کنید؟ گفتم: من که شیعه اثنا عشری هستم و نسبت به آن حضرت و فرزند ارجمند و آباء گرامیش ارادت می‌ورزم. فرمودند: منظورم شخص شما نبود، بلکه منظور وعاظ و نویسندگان است که در میلاد و مناقب آن حضرت کمتر سخن می‌گویند. آن گاه فرمودند: امروز روز میلاد آن حضرت است. من یک مصرع شعر به شما می‌آموزم، شما به همین وزن در مدح آن حضرت بسازید. عرض کردم: چشم! این یک مصرع را به بنده تلقین کردند:

«عید میلاد حسن حجت  
حادی عشر است»

از خواب بیدار شدم، فوراً یادداشت کرده و چون بذل توجهی شده بود، مدیحه‌ای در همان ساعت ساخته، جهت چاپ در روزنامه (طلوع اسلام) فرستادم و در این دیوان از نظر مبارک می‌گذرد و از همان روز شروع

جوان بودی، رفتی حرم امام حسین علیه السلام بالا سر آقا، سرت رابه شبکه ضریح نزدیک کردی و گفتی: آقا جان، من از تو یک لطفی می‌خواهم که دوران پیری و از کار افتادگی سر سفره شما اداره شوم.

این باغ چای اجابت آن دعا است، چرا قصد فروش آن را داشتی؟ من دست آقا را بوسیدم، از پله‌ها پایین آمدم و سریع به رشت بازگشتم و قولنامه را پاره کردم و تا الان زندگی من از این باغ اداره می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ارادت ویژه به امامان معصوم

صدرایی ارادت ویژه‌ای نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله داشت. اشعار فراوانی در مدح و مناقب، فضائل و مراثی آن بزرگواران سروده و تحت عنوان «گلزار احمدی» به چاپ رسیده است. وی در مقدمه آن آورده است:

«در سال ۱۳۴۹ شمسی بر اثر تصادف ماشین ضربه‌ای به مرکز بیناییم وارد شد که منجر به کوری چشم گردید. جهت معالجه به بیمارستان آپادانا [رفتم و] تحت عمل جراحی چشم پزشک قرار گرفتم. پس از عمل به منظور استراحت در باغ چایی خود به استراحت پرداخته تا روزی حدود ساعت ۲ بعد از ظهر خوابیده [بودم]، در

شب و روزم بی ترویج دین بود  
 همیشه وقف کار مسلمین بود  
 به ترویج احادیث و روایات  
 به نشر علم و اخلاص و دلالات  
 هزاران منحرف را توبه دادم  
 در ایمان به دلهاشان گشادم  
 کومونیست و مجوسی و بودائی  
 یهودی و مسیحی و بهائی  
 بمنطق مستدل حرفه خویش  
 گسرفتندی ره اسلام در پیش  
 مشرف کردم آنانرا به اسلام  
 بکردم آشناشان من به احکام  
 زیان و خامه در تبلیغ دین بود  
 شعارم دفع شرّ مشرکین بود  
 بدم من یک سخنگویی ز اسلام  
 حقایق را به عالم کرده افهام  
 نبود این مزدم ای پروردگارم  
 بفضل و لطف تو امیدوارم  
 تو را با چشم و عقل و هوش و ادراک  
 پذیرفتم بدل ای صانع پاک  
 ترحم کن به حال خسته من  
 گشا از نو تو چشم بسته من....

۱. مقدمه دیوان گلزار احمدی، ص ۶

به ساختن اشعار در توحید و مصائب  
 اهل بیت علیهم السلام و نصایح و غزلیات نمودم  
 که به صورت دیوان درآمد است و این  
 قضیه را فقط به عنوان یادآوری به حضور  
 و عاظ و شعرا و نویسندگان محترم نوشته‌ام  
 که متذکر این نکات بشوند.<sup>۱</sup>

### اثر فوری توسل

مرحوم صدرایی بعد از تصادف و  
 عمل جراحی و کوری چشمان توسل  
 فراوانی به ساحت امامان علیهم السلام؛ خصوصاً به  
 ساحت قدسی باب الحوائج موسی بن  
 جعفر علیه السلام داشت که در نتیجه بعد از ده  
 روز شفای عاجل را دریافت نمود. مرحوم  
 صدرایی دو حالت کوری چشمان و بینایی  
 را به صورت دو شعر جداگانه و مناجات با  
 خدای متعال سروده که فقط به چند بیت آن  
 بسنده می‌شود:

خداوندا دو چشمم کور کردی  
 مرا از رحمت خود دور کردی  
 چه کرد ستم مرا منفور کردی  
 دو چشم باز من بی نور کردی  
 نکردم من باین چشمان گناهی  
 که کورم سازی اندازی به چاهمی  
 تمام عمر خود را کرده‌ام صرف  
 بحلّ و فصل کار خلق بی حرف

شکر گذاری پس از بینایی هر دو چشم

پس از ده روز چشمم بازگشته  
فرح با قلب من دمساز گشته  
بسمحمدالله که کوری رفته یکسر

شدم بینا به لطف ذات اکبر  
دوباره چشم من گردید بینا

به امر حضرت باری تعالی  
زنو بینم جمال خوب رویان

چه خوش خوانم درست آیات قرآن  
تو صدراایی به پاس این عنایت

به شرع و مسلمین بنمای خدمت  
خلایق را به خالق رهنما باش

توکل بر خدا کن با خدا باش<sup>۱</sup>

### تألیفات

صدراایی تألیفات فراوانی دارد که  
اکثر آنها به چاپ رسیده است:

۱. حقایق اسلام؛ ۲. معارف اسلام؛  
۳. وقایع عاشورا؛ ۴. پرتو حق؛

۵. وظایف ایرانیان در انتخابات؛ ۶.  
مقالات صدراایی؛ ۷. رساله در رد عقاید

کارل مارکس، لنین و ابطال عقیده  
سخیف مسلک دیالکتیک و

ماتریالیسم؛ ۸. رساله در رد عقاید دکتر  
ارانی؛ ۹. با من به خوزستان بیایید،

جنایت بیگانگان و فقر مادی و معنوی  
ایرانیان را ببینید. (چاپ نشده)؛  
۱۰. دیوان گلزار احمدی و...

### رحلت

صدراایی پس از عمری تلاش و  
خدمت به جامعه اسلامی و تبلیغ و

ارشاد و هدایت مردم و تألیف کتابها،  
مقالات و خدمات فراوان دینی،

اجتماعی و فرهنگی در سن ۶۷ سالگی  
به دنبال بیماری طولانی قلبی، در هفتم

آذر ماه ۱۳۵۶ شمسی (۱۳۹۶ قمری)  
دعوت حق را اجابت گفت و پیکر

پاکش با تشییع باشکوهی در کنار مرقد  
پدر بزرگوارش در قبرستان عمومی

لنگرود به خاک سپرده شد و مجالس  
فراوانی در گیلان، تهران، قم، نجف

اشرف و ... برایش منعقد گردید.<sup>۲</sup>  
«عاش سعیداً و مات حمیداً»

۱. همان، صص ۲۸-۳۱.

۲. شایان ذکر است که از بیانات فاضل گرامی،  
فرهنگی پیشکسوت آقای حاج علی عسکر زاده  
زیازی که سالها با مرحوم صدراایی حشر و نشر  
داشته‌اند، در لابه لای این مقاله استفاده شده  
است. از ایشان کمال امتنان را دارم.